



اسلام محمدی در برابر دین سلفی وهابی

تروریسم از جنس اسلام نیست و عقیده آل محمد از ترورو
آزاردادن دیگران به دور است. عقیده و دین تروریسم،
سلفی‌گری وهابی است و خاستگاه و پشتیبانش از
ناحیه حکومت سعودی و برخی دولت‌های خلیج است
که تروریسم وهابی سلفی را در سراسر جهان پشتیبانی
می‌کنند.

احمد الحسن رحمته الله، صفحه رسمی فیس بوک، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۶

نور پیامبر اسلام، تاریکی قرون وسطا را روشنی بخشید

قطعاً رسول خدا ﷺ تأثیر مثبت و عمیقی در تمدن بشری داشته
است؛ به علم‌آموزی و عمل کردن تشویق کرد و به فضل وجود
ایشان اختراعاتی به دست آمده است که امروزه در کارخانه‌ها و
دستگاه‌های الکترونیکی و بیمارستان‌های ما... وجود دارد.

اخلاق محمدی

در این مقاله با برخی از اخلاق و رفتار پیامبر اسلام و خلفای او
آشنا خواهید شد تا آنکه نمی‌داند بداند و خود قضاوت کند
که آیا آن چهره‌ای که از پیامبر اسلام در غرب نشان می‌دهند
با حقیقت تشابهی دارد یا خیر.

آزادی بیان

هنگامی که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و در شهر پاریس، اعلامیه
جهانی حقوق بشر به تصویب رسید، شاید در آن زمان کسی
گمان نمی‌کرد که در سال ۲۰۲۰ مفهوم بیچاره (آزادی
بیان) به چنین حال و روزی بیفتد!

جنایات تروریست‌های وهابی سلفی به اسم اسلام

متأسفانه مردم بسیاری هستند که اعمال بی‌رحمانه‌ای را که
گروه‌های وهابی سلفی انجام می‌دهند به پای پیامبر اسلام و دین
اسلام می‌گذارند؛ چه خدا ناباور و مسیحی و...؛ سؤالی که در اینجا
از این افراد می‌پرسیم این است که آیا تا به حال به این موضوع
اندیشیده‌اید که این عمل در حقیقت به ضرر شماست؟

تفاوت دین اسلام و دین وهابیت

دین اسلام با دین وهابیت سلفی تفاوت‌های بسیار زیادی دارد
که هر انسان منصفی درمی‌یابد که اساساً نمی‌توان آن‌ها را
یکی قلمداد کرد. در این مقاله برخی توضیحات
احمد الحسن رحمته الله را برای شما ارائه می‌کنیم.

اخلاق قرآنی، نه اخلاق وهابی

علاوه بر اینکه بین دین اسلام و وهابیت فرق بسیاری در
عقاید وجود دارد، به طور کلی اخلاق قرآنی نیز با اخلاق
وهابی متفاوت است.



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

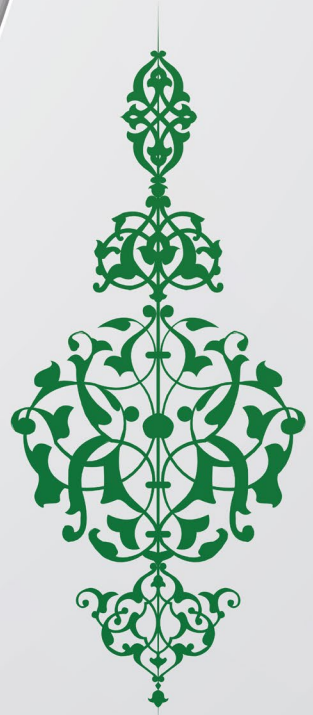
۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش‌های خرد

فهرست

- تعاریف اسلامی..... ۳
- جنايات تروريست‌هاى وهابى سَلَفى به اسم اسلام..... ۷
- بررسى آياتى از قرآن..... ۹
- تفاوت دين اسلام و دين وهابيت..... ۱۳
- اخلاق قرآنى، نه اخلاق وهابى..... ۱۸
- اخلاق محمدى..... ۲۲
- آزادى بيان..... ۲۵
- نور پيامبر اسلام، تاريخى قرون وسطا را روشنى بخشيد..... ۲۷
- معرفى امام احمد الحسن عليه السلام..... ۳۱



هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، ویژه‌نامه اسلام حقيقى،
جمعه ۲۸ آذر ۱۳۹۹، ۳ جمادى الاولى ۱۴۴۲،
۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

صاحب امتياز: مؤسسه وارثين ملكوت
راه‌هاى ارتباطى:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذكر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دريافت نظرات، پيشنهادهات و انتقادات
سازنده شما عزيزان است.

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

تعاریف اسلامی

بسیاری از کسانی که از دین اسلام شنیده اند با تعاریف اسلامی بیگانه هستند؛ لذا در این نوشتار شما را با تعاریف اسلامی آشنا خواهیم کرد تا بهتر بتوانید با دین اسلام آشنا شوید.

معنای اسلام

شاید ابتدایی ترین سؤالی که هر محققى برايش مطرح مى شود، این باشد که «اسلام» به چه معناست؟

برای دانستن پاسخ این پرسش، کلام احمد الحسن علیه السلام را تقدیم شما می کنیم. ایشان فرمود: «اسلام همان تسلیم شدن، و تسلیم شدن همان اطاعت مطلق است.» [روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، ج ۳، ق ۱]

تفاوت اسلام با دین یهودی و مسیحی

سؤال دیگری که شاید مطرح شود این است که آیا دین اسلام با دین یهودی و مسیحی تفاوتی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال به امید خدا توضیح احمد الحسن علیه السلام را تقدیم شما می کنیم: «اسلام، ثمره ادیان الهی در زمین، و محمد صلی الله علیه و آله همان عیسی، موسی و ابراهیم علیهم السلام است و قرآن همان تورات، انجیل و صُحُف ابراهیم است.

خداوند متعال می فرماید: (برای شما دین و آیینی مقرر کرد، از آنچه به نوح وصیت کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی وصیت کرده ایم که دین را بر پای نگه دارید

و در آن فرقه فرقه مشوید). [شوری، ۱۳]

همچنین می فرماید: (بگو من در میان فرستادگان بدعتی تازه نیستم و نمی دانم که بر من یا بر شما چه خواهد رفت. من از چیزی جز آنچه به من وحی می شود، پیروی نمی کنم و جز بیم دهنده ای آشکار نیستم * بگو چه می دانید اگر این قرآن از جانب خدا باشد و شما به آن کافر باشید؟ حال آنکه شاهی از بنی اسرائیل بر مثل آن شهادت داد و ایمان آورد، ولی شما گردن کشی می کنید؛ قطعاً خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند). [احقاف، ۹ و ۱۰]، (قطعاً این سخن در صحیفه های نخستین هست * صحیفه های ابراهیم و موسی). [اعلی، ۱۸ و ۱۹]

اسلام به عنوان دینی الهی تفاوتی با دین یهودی، نصرانی یا حنفی ندارد و چیزی جدید و خودساخته نیست. البته در برخی تفصیلات تشریع، اختلافاتی میان این ادیان وجود دارد و اسلام با برخی جزئیات متفاوت، در راستای حرکت تکاملی انسان بر این زمین آمد؛ اما عقاید الهی در تمامی ادیان یکسان است: ایمان به خدا و فرشتگانش و کتاب ها و فرستادگانش. آن ها امتی یکسان هستند و دعوتشان نیز یکسان است.» [گوساله، ج ۱]

سید احمد الحسن علیه السلام:

امروز، وارثان روش یزیدی، همان وهابیون سفیانی تبار قاتل و ذبح کننده هستند؛ همان کسانی که خون مسلمانان را حلال کردند. (صفحه رسمی فیس بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)

به همین دلیل افرادی که تورات یا انجیل را می‌شناختند یا بخشی از آنچه را که در آن است، می‌دانستند، به محض شنیدن قرآن، می‌فهمیدند که همان تورات و انجیل است. ولی از آن دو والاتر است و منبع آن با منبع آن دو، یکی است. خداوند متعال فرمود:

(بگو به آن ایمان بیاورید یا بیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از آن دانش یافته‌اند چون بر آنان خوانده شود، سجده‌کنان به روی درمی‌افتند. و می‌گویند منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام‌شدنی است. و بر زمین می‌افتند و می‌گریند و بر فروتنی آن‌ها می‌افزاید).

جلوه‌ای از قرآن (تورات) بر موسی فرستاده شد و جلوه‌ای از آن (انجیل) بر عیسی فرستاده شد و همه قرآن یعنی به شکل تمام‌تر و کامل‌تر بر محمد فرستاده شد. [عقاید اسلام، مبحث قرآن]

اهل بیت

بر طبق حدیث «ثقلین» که مقبول مسلمانان است، اهل بیت پیامبر اسلام مقام والایی دارند و رجوع به آنان لازم است؛ همچنین در این خصوص احمدالحسن علیه السلام توضیح می‌دهد که:

«خداوند می‌فرماید:

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالأمر خویش فرمان برید). [نساء، ۵۹]

در اینجا منظور از اولوالأمر، ائمه دوازده‌گانه معصوم علیهم السلام، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ اگر منظور غیر از آن‌ها باشد، فرمان به اطاعت مطلق از فردی می‌دهد که گناه می‌کند یا خطایی از او سر می‌زند؛ زیرا اطاعت از او با اطاعت از خداوند قرین شده است که این نمی‌تواند صحیح باشد؛ چراکه در این

معنای مسلمان

این سؤال، یکی دیگر از سؤالات اساسی است، در اینجا کلام احمدالحسن علیه السلام را ارائه می‌کنیم که فرمود: «مسلمان، کسی است که تسلیم خداوند سبحان و متعال باشد و این تسلیم شدن (سجده‌گزاری) باید قبله‌ای داشته باشد، و قبله‌اش نیز همان ولی خداوند (حجت او بر آفریده‌هایش) است. کسی که از قبله تسلیم شدن (یعنی حجت خدا که در جانشین و خلیفه خداوند در زمینش متمثل می‌شود) که خداوند واجب فرموده است روی گردان شود، مسلمان حقیقی محسوب نمی‌شود.» [روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۳، ق ۱]



قرآن

درباره قرآن چه گمان می‌کنید؟ آیا آن فقط مربوط به اسلام است و مسیحیان و یهودیان با آن بیگانه هستند؟

احمدالحسن علیه السلام فرمود: «تورات و انجیل نیز قرآن هستند؛ ولی قرآنی که بر محمد صلی الله علیه و آله فرستاده شد، شامل‌تر و کامل‌تر و والاتر و مسلط‌تر از آن‌هاست.

سید احمد الحسن علیه السلام:

علمای آن‌ها (یعنی علمای دین وهابی) می‌گویند که پروردگارشان فقط دو چشم و دو دست دارد و در هر دست پنج انگشت و بیش از این نیازی به توصیف پروردگار آن‌ها یعنی هبلی که غیر خدا عبادت می‌نمایند، نیست. (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)



من نیز کسی این کار را انجام می‌دهد. بنی اسرائیل بر ۷۲ آیین تقسیم شدند و امت من بر ۷۳ آیین تقسیم می‌شوند که همه آنان در آتش هستند، مگر یک آیین. عرض شد: ای رسول‌الله! آن چیست؟ فرمود: آنچه من و یارانم بر آن هستیم. [سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۵]. [...]



بنابراین ویژگی فرقه ناجیه، این است که فرقه‌ای است که در آن ارتباطی مانند ارتباط بین محمد رسول‌الله ﷺ و یارانش است. رسول‌الله محمد ﷺ رهبری است که از سوی خدا برگزیده شده است و یارانش به این رهبری الهی ایمان دارند. [عقاید

صورت به این معناست که خداوند ما را به اطاعت از دشمنانش یا دست‌کم به معصیت خودش (پناه بر خدا) فرمان داده است!

روشن شد، کسی که بعد از پیامبر ﷺ به اطاعت از آن‌ها امر شده است، علی و فرزندان معصومش (علیه السلام) هستند و عصمت آن‌ها از گناه، در قرآن به صراحت ذکر شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را چنان‌که باید، پاک سازد). [احزاب، ۳۳] همان گونه که بسیاری از مفسرین توضیح داده‌اند، پیامبر ﷺ به صراحت اعلام فرموده است که منظور از اهل بیت، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیه السلام) است. [سرگردانی یا راه به سوی خدا، مبحث اسلام سیاست و حکومت]

و به این نکته نیز توجه کنید که طبق وصیت پیامبر اسلام، خلفای ایشان ﷺ ۱۲ امام و ۱۲ مهدی هستند که اطاعت از آن‌ها واجب است.

فرقه‌های اسلامی

بسیاری از فرقه‌هایی که درون اسلام هست، اعتقادی ندارند به اینکه خلیفه باید توسط خدا انتخاب شود؛ این در حالی است که همین موضوع موجب می‌شود که آن‌ها صلاحیت نمایندگی دین را نداشته باشند.

احمد الحسن ﷺ درباره پیامبر اسلام فرمود: «او به روشنی بیان کرد که حق در حاکمیت خداست و همه فرقه‌های مسلمانان که از حاکمیت خدا خارج شوند، فرقه‌هایی گمراه هستند. حدیث فرقه ناجیه و صفت آن، از آتش بر فراز کوه مشهورتر است.

از عبدالله بن عمرو نقل است: رسول‌الله ﷺ فرمود: «بر سر امت من، وجب به وجب چیزهایی می‌آید که بر سر بنی اسرائیل آمده است؛ حتی اگر یکی از آنان آشکارا با مادرش آمیزش کرده باشد، در امت

سید احمد الحسن ﷺ:

و ما امروز و هابیون سفیانی تبار بی عقل را می‌یابیم که «هبل» را عبادت کرده و به صورت کاملاً آشکار عبادتشان را به اسم اسلام ترویج می‌دهند.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)



مقالات دیگر از این ویژه‌نامه رجوع کنید.]

نتیجه‌گیری

مسلمانی که دین اسلام را برگزیده است، پیرو خدا و تعالیم انبیای خداست و به این ترتیب شخصی که مسلمان نیست باید اسلام حقیقی را از مدعیان اسلام‌گرایی بشناسد.

این‌گونه نیست که هرکس خود را مسلمان خواند، مسلمان باشد؛ بلکه معیار مسلمانی بستگی به اندازه اطاعت و تسلیم‌بودن هر شخصی نسبت به خلفای خداست.

دین اسلام پیامبر و اهل بیت پاک او، از آنچه وهابی‌های سلفی، اسلام می‌خوانند بیزار است؛ لذا مسلمانان آن‌ها را جزو امت اسلام نمی‌دانند و به‌درستی که هر وهابی یک تروریست است یا در آینده یک تروریست می‌شود.

اسلام، خلافت محمد ﷺ، سوم- حاکمیت خدا] و اگر به اکثریت فرقه‌هایی که امروز درون اسلام وجود دارند، نگاهی کنیم، متوجه خواهیم شد که آنان به حاکمیت خدا یعنی تشریع به‌وسیله خلیفه خدا و اینکه خلیفه باید توسط خدا نصب شود- اعتقادی ندارند؛ چراکه آنان به جانشینانی که پیامبر اسلام آنان را مشخص کرده است، ایمان ندارند و به سراغ کسانی رفته‌اند که از سوی خدا انتخاب نشده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را نماینده اسلام دانست.

وهابیت

وهابیت دینی متفاوت از اسلام است. آن‌ها از آیات قرآن سوءاستفاده می‌کنند و در کشورهای مختلف دست به اعمال تروریستی می‌زنند. آن‌ها به خلفای معرفی شده توسط پیامبر اسلام اعتقادی ندارند و در نتیجه به تقلین ایمان ندارند و اعمالشان نیز به اعمال پیامبر اسلام و خلفای او شباهتی ندارد. [به



سید احمد الحسن علیه السلام:

وهابی‌ها به توحید فرامی‌خوانند، در حالی که خود بت‌هایی را عبادت می‌کنند که دو «دست» داشته و در هر «دست»، پنج «انگشت» و دو «چشم» دارد. شما را به پروردگارتان قسم؛ این (خدا) کیست؟ آیا این خود «هبل» نیست؟ (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)



احمد الحسن علیه السلام فرمود:

۶۶

«همان طور که همه باید توجه داشته باشند، از انصاف به دور است که کارهای وهابی‌هایی که برخی از اعراب شبه جزیره و پیر و انشان هستند، به محمد علیه السلام نسبت داده شود؛ با اینکه قرآن، آنان را مذمت می‌کند و کارهای جنایی آنان را نکوهش کرده است! کسی که اعمال وهابی‌ها را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام نسبت می‌دهد، در نتیجه به طریق اولی همه کارهای کُستانتین و نظایرش را به عیسی علیه السلام، مسیحیت، تورات و انجیل نسبت می‌دهد؛ یا حداقل جنایات کلیسا در قرون گذشته که عبارت است از کشتار، شکنجه و زنده سوزاندن کسانی که با آنان مخالفت می‌کردند، تحت نام‌های کفر، ارتداد، جنگ با مسیحیت و کلیسا و کارهایی که از جنایات زشت وهابی‌ها کمتر نیست.»

۶۶

[سیزدهمین حواری، صفحات ۴۶ تا ۴۷]

جنایات تروریست‌های وهابی سلفی به اسم اسلام

متأسفانه مردم بسیاری هستند که اعمال بی‌رحمانه‌ای را که گروه‌های وهابی سلفی انجام می‌دهند به پای پیامبر اسلام و دین اسلام می‌گذارند؛ چه خدانا باور و مسیحی و ...؛ سؤالی که در اینجا از این افراد می‌پرسیم این است که آیا تا به حال به این موضوع اندیشیده‌اید که این عمل در حقیقت به ضرر شماست؟ به عنوان مثال

حال این قضیه را درباره خدانا باوران مطرح می‌کنیم. کسی که اعمال وهابی‌ها را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام نسبت می‌دهد، در نتیجه به طریق اولی همه کارهای ژوزف و یساریونویچ استالین، دومین رهبر اتحاد جماهیر شوروی و نظایرش را به تمام خدانا باوران نسبت می‌دهد؛ در نتیجه آیا مسیحی و خدانا باور عاقلی پیدا می‌شود که چنین عملی را انجام دهد و بخواهد با این روش خود را محکوم کند؟

سوءاستفاده تروریست‌ها از قرآن

شاید کسی بگوید تروریست‌های وهابی که مرد و زن و کودک را با اعمال تروریستی قتل عام

سید احمد الحسن علیه السلام :

بر کل دولت‌های جهان لازم است تا موضعی واضح در خصوص تروریسم وهابی سلفی بگیرند. (صفحه رسمی فیس‌بوک، نوامبر ۲۰۱۶)



و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست). [بقره، ۸۵]
(آنان که قرآن را بخش‌بخش کردند * به پروردگارت سوگند که همه را بازخواست کنیم * به واسطه کارهایی که می‌کرده‌اند). [حجر، ۹۱ تا ۹۳]. «[سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶]

درپایان

باید به خاطر بیاوریم که مسئله سوءاستفاده از قوانین یا کلام خدا مسئله جدیدی نیست؛ بلکه بسیاری از مکاتب عقیدتی در جهت پیشبرد سیاست‌های خود از این عمل بهره می‌برند و آیا یک انسان منصف می‌تواند چنین سخنی را بر زبان یا حتی در خاطر خود راه دهد که اشکال از قانون‌گذار است؟
آیا کارخانه‌ای که چاقوی تیز برای بهتر شدن روند زندگی انسان تولید می‌کند می‌تواند تویخ شود، به این دلیل که چاقوی تولیدشده موجب سوءاستفاده اشراری می‌شود که با آن اقدام به زورگیری و قتل می‌کنند؟

است و جزء جزء کردن آن صحیح نیست و کسی که آن را جزء جزء کند، مُغرض است؛ یا کسی است که می‌خواهد به شکلی کور و بی‌هدف طعنه بزند؛ مانند کسی که به گوینده «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گوید تو کافر هستی و وجود خدا را انکار می‌کنی، چرا که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتی! یا کسی است که برای هدف نفسانی‌اش، می‌خواهد عقیده یا فتوای فاسدی را گسترش دهد؛ همان طور که وهابی‌ها چنین می‌کنند.

آیات قرآنی زیر از چنین رفتار منحرف و مغرضانه‌ای که برای تجزیه و بخش‌بخش کردن قرآن انجام می‌شود، باز می‌دارد:
(... آیا به بعضی از کتاب ایمان می‌آورید و بعضی دیگر را انکار می‌کنید؟! پاداش کسی که چنین کند در دنیا جز خواری نیست، و در روز قیامت به سخت‌ترین عذاب‌ها بازگردانیده می‌شود

می‌کنند از دستورات قرآن تبعیت می‌کنند؛ به این اشکال این‌گونه پاسخ می‌دهیم که آنان آیات را بُرش می‌زنند و از آن سوءاستفاده می‌کنند و پیروان وهابی سلفی توسط قرآن محکوم شده‌اند. شاید پرسید چگونه چنین چیزی ممکن است؟
برای رسیدن به پاسخ این سؤال، توضیح احمد الحسن علیه السلام را تقدیم شما می‌کنیم:
«قرآن، یکپارچه و کامل است و آنچه وهابی‌ها برای گسترش عقاید باطل و فتوهایشان در خصوص کشتار مردم انجام می‌دهند و آنچه مسیحی‌ها و دیگران در این روزها برای طعنه‌زدن به قرآن انجام می‌دهند، عبارت است از فرایند تقطیع آیاتی از کتابی که یکپارچه و کامل است و نمی‌توان بخشی از آن را به دور از کل یا بقیه اجزا برگرفت. خداوند در قرآن بیان کرده که قرآن، یکپارچه و کامل



سید احمد الحسن علیه السلام:

هر گروه تروریستی که در جهان، همه بر تروریست بودنشان اتفاق نظر دارند، همان تفکر وهابیت سلفی است. (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۶)

بررسی آیاتی از قرآن

پیش‌تر اشاره شد که قرآن از رفتار منحرف و مغرضانه‌ای که برای تجزیه و بخش‌بخش کردن قرآن انجام می‌شود، باز می‌دارد؛ در اینجا آیاتی را ارائه می‌کنیم که شاید دیده باشید از آن‌ها سوءاستفاده شده است و سپس توضیحات احمدالحسن را تقدیم شما می‌کنیم:

بررسی آیاتی از سورة آل عمران

(آیا دینی جز دین خدا می‌جویند؟! حال آنکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است خواه‌ناخواه تسلیم فرمان او هستند و به نزد او بازشان می‌گردانند * بگو: به خدا و آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او، و نیز آنچه بر موسی و عیسی و پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان نازل شده است، ایمان آوردیم؛ میان هیچ‌یک از ایشان فرقی نمی‌نهییم و همه تسلیم اراده او هستیم * و هر کس دینی جز اسلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان‌دیدگان خواهد بود). [آل عمران، ۸۳ تا ۸۵]

احمدالحسن رحمته الله فرمود:

«آیه ۸۴ از سورة آل عمران، به روشنی معنای اسلام را در آیات بیان می‌کند؛ اینکه اسلام همان تسلیم خداوند و خلیفه خداوند در زمین و در هر زمان است که بر اساس قانون خلافت خداوند در زمین منصوب شده است؛ قانونی که از نخستین روز برای نخستین انسان در این زمین وجود داشته است؛ او همان پیامبر خدا حضرت آدم رحمته الله است که خداوند او را به عنوان خلیفه و جانشینش در زمینش گماشت.

این آیات برای از میدان به در کردن یا حکم کردن علیه کسی نیست؛ بلکه فقط برای بیان قانون ایمان قابل قبول از نظر خداوند است؛ یعنی همان تسلیم شدن در برابر خداوند و خلیفه خداوند در زمینش. [سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶]

بررسی آیه ۲۹ سورة توبه

در قرآن می‌خوانیم: (با کسانی که نه به خدا ایمان دارند و نه به روز جزا، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمارند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند). [توبه، ۲۹]

احمدالحسن در بخشی از توضیح درباره این آیه فرمود:

«اکنون آیه مدنظر را می‌آوریم -یعنی توبه، ۲۹- ولی با آیات بعدی‌اش؛ تا ببینیم چرا خداوند در اینجا مؤمنان را به کشتار تشویق می‌کند.

توبه:

(با کسانی که نه به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و پیامبرش حرام

سید احمد الحسن رحمته الله:

امروزه آمریکا و کشورهای غربی، این‌ها (یعنی تکفیری‌ها) را پشتیبانی می‌کنند؛ همان طور که در گذشته از بن لادن در افغانستان و در زمان اشغال شوروی، پشتیبانی کردند.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)

بنابراین خداوند به جنگ با ایشان تشویق می کند؛ چراکه آن ها کسانی بودند که پیکار را آغاز کردند: (می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز اینکه نور خود را کامل کند، نمی خواهد؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند). و گمان نمی کنم تشویق کردن به کشتن دیگران یا آمادگی برای کشتن دیگران یا آماده کردن نفرت برای کشتار دیگران، جنگ محسوب نشود؛ و معتقدم اراده خاموش کردن نور خداوند با دهان هایشان، چنین مسائلی و حتی بیشتر را در بردارد. هرچند آیات گفته شده، گرفتن و پاسخ دادن را احتمال می دهد و اینکه جزو متشابهات هستند، ولی آیه روشن و محکمی وجود دارد که بیان می کند خداوند مؤمنان را به جنگ با کسانی که با آن ها می جنگند تشویق می کند و مؤمنان را از تجاوز به دیگران باز می دارد؛ و متشابه به محکم بازگردانیده می شود.

کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند پیکار کنید، تا آنگاه که به دست خود در عین مذلت و خواری جزیه بدهند * یهود گفتند: عَزَّیر پسر خداست و نصارا گفتند: عیسی پسر خداست. این سخنی است که بر زبان می رانند؛ همانند گفتار کسانی که پیش از این کافر بودند. خدا آنان را نابود کند، چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند. * آن ها احبار و راهبان خویش و مسیح پسر مریم را به جای الله به خدایی گرفتند و حال آنکه مأمور بودند که تنها یک خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست، منزّه است از آنچه شریکش می دارند * می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز اینکه نور خود را کامل کند، نمی خواهد؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند * او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه دین ها پیروز گرداند؛ هرچند مشرکان را خوش نیاید. [توبه، ۲۹ تا ۳۳]



سید احمد الحسن (علیه السلام):

چه کسی مسئولیت رسیدن موشک های ضد هوایی به این وحشی ها (یعنی تکفیری ها) را به عهده می گیرد؟ آیا آمریکا واقعاً نمی داند چه کسی این موشک های ضد هوایی را به این افراد می رساند؟! (صفحه رسمی فیس بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)



اگر خود را به کناری نکشند و صلح نکنند و از اعمال خویش باز نایستند آنان را هر جا که یافتید، بگیرید و بکشید که خدا شما را بر آنان تسلطی آشکار داده است). [نساء، ۹۱]

احمدالحسن در توضیح این آیه فرمود:
«اشکال این آیه در کجاست؟

آیه به جنگ با کافر محاربی که دست از آزار مؤمنین باز نمی‌دارد، تشویق می‌کند. به‌علاوه اینکه در آیه پیش از آن، بیانی است برای جایز بودن صلح با کسی که درخواست صلح می‌کند و با مؤمنان نمی‌جنگند و نمی‌خواهد آن‌ها را آزار دهد.

(مگر کسانی که به قومی که میان شما و ایشان پیمانی است، می‌پیوندند، یا خود نزد شما می‌آیند؛ در حالی که از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود، ملول شده باشند؛ و اگر خدا می‌خواست بر شما پیروزشان می‌ساخت و با شما به جنگ بر می‌خاستند. پس هرگاه کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح دادند، خدا هیچ راهی برای شما بر ضد آنان نگشوده است). [نساء، ۹۰]. «[سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶]



خداوند متعال می‌فرماید:

(با کسانی که با شما جنگ می‌کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی مکنید؛ زیرا خدا تجاوزکاران را دوست ندارد). [بقره، ۱۹۰]

به‌علاوه، عملکرد رسول خدا حضرت محمد ﷺ واضح و روشن است. یهود که اهل کتاب هستند، با ایشان در مدینه در امنیت زندگی می‌کردند و به ایشان بدی نمی‌رسید تا اینکه این، آن‌ها بودند که جنگ با ایشان و کمک به کسانی را که با ایشان جنگیده بودند آغاز کردند.

همچنین باید به این نکته توجه داشت که اسلام و دین الهی، دین را از سیاست جدا نمی‌داند؛ بلکه حکومت و سیاست، بخشی از دین است و در نتیجه بسیاری از آیات در قرآن عبارت‌اند از: قوانین نظامی که حقوق سرباز را در نبرد مشخص می‌کنند و [نیز] کاری را که مجاز است در برابر کسی که با او می‌جنگد انجام دهد. مؤمن تا زمانی که با او جنگی نشود نمی‌جنگد و تنها با دستور خداوند پیکار می‌کند تا اجر و پاداش بگیرد؛ به همین جهت خداوند برای مؤمنان در میدان نبرد، جنگ با کسانی را که با او می‌جنگند در آیات قرآنی تشریع فرموده است؛ همان طور که هم‌اکنون و پیش از این، حکومت‌ها برای لشکریان‌شان قوانینی را وضع می‌کنند و در آن حقوق سربازانشان را در میدان نبرد بیان می‌دارند و آنچه جایز است و آنچه جایز نیست و... را تشریح می‌کنند. «[سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶]

بررسی آیه ۹۱ سوره نساء

در قرآن می‌خوانیم: (گروه دیگری را خواهید یافت که می‌خواهند از شما و قوم خود در امان باشند. اینان هرگاه به کفر دعوت شوند به آن بازگردند؛ پس

سید احمد الحسن (علیه السلام):

آیا آمریکا که از این جلادان القاعده که به نام‌های مختلف نقاب زده‌اند، پشتیبانی می‌کند نمی‌داند اگر این‌ها توانستند نظام سوریه را با قدرت سلاح و قتل با شمشیر سرنگون کنند، پس از آن برای قتل و کشتار اهل سنت و شیعیان به‌سوی عراق و لبنان خواهند رفت؟

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ دسامبر ۲۰۱۲)





بررسی آیه ۴ سورة محمد

هست و می‌توانند در برخورد با اسیران، به آن‌ها آزادی دهند یا بدون عوضی ایشان را آزاد کنند یا آنان را مبادله کنند یا برایشان فدیة ای بگیرند و ... اشکال این آیه در کجاست؟ گفتیم که قرآن عبارت است از: قانونی الهی که فقط مربوط به عبادت نیست؛ بلکه سیاست، حکومت الهی، حقوق مؤمنان و آنچه بر ایشان واجب است و... را بیان می‌کند.» [سیزدهمین حواری، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۶]

در نتیجه:

از خواننده می‌خواهیم اگر یک وهابی یا شخصی برای شما آیه‌ای از قرآن آورد به دقت آن آیه یا آیات پیرامون آن را مطالعه و بررسی کنید؛ چراکه متأسفانه بسیاری از افراد، از این آیات قرآن، در جهت اهداف شخصی یا گروهی خود سوءاستفاده می‌کنند.

در قرآن می‌خوانیم: (پس هنگامی که با کافران روبه‌رو شدید، گردن‌هایشان را بزنید تا آنگاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید. در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید]، یا از آنان فدیة و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می‌خواست از آنان انتقام می‌گرفت تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباه نمی‌کند.) [محمد، ۴]

احمد الحسن رحمته الله در توضیح این آیه فرمود:

«این آیه برخی از حقوق سربازان مؤمن را در جنگ در میدان نبرد بیان می‌کند. از حقوق ایشان است که با کافری که با آن‌ها می‌جنگد، بجنگند و بیان می‌کند که حق ایشان، گرفتن اسیران نیز

سید احمد الحسن رحمته الله:

هیگ اعتراف کرد که آن‌ها می‌دانند وهابی‌های قاتل از سراسر زمین در سوریه برای جنگ جمع شدند؛ اما با این حال می‌بینیم که حکومتش و هم‌پیمانان آن، پشتیبان جنگ هستند.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ فوریه ۲۰۱۳)



تفاوت دین اسلام و دین وهابیت

دین اسلام با دین وهابیت سلفی تفاوت‌های بسیار زیادی دارد که هر انسان منصفی درمی‌یابد که اساساً نمی‌توان آن‌ها را یکی قلمداد کرد. در این مقاله برخی توضیحات احمدالحسن رحمته‌الله را برای شما ارائه می‌کنیم.

تفاوت خدای اسلام و خدای وهابیت

خدای اسلام و خدای وهابیت با یکدیگر تفاوت دارند؛ احمدالحسن رحمته‌الله فرمود: «وهابیون، «مجسمه» هستند (به جسم بودن خداوند اعتقاد دارند) یا حداقل چیزی که درباره آن‌ها می‌شود گفت این است که عقیده‌شان درباره لاهوت مستلزم «تجسیم» است؛ زیرا آن‌ها برای خدا دست و انگشت و ساق تصور کرده‌اند و معتقدند خدا بر عرش می‌نشیند و ... الی آخر. [۱] ابن تیمیه، امام وهابی‌ها، در کتاب خود به نام «العقیده الواسطیة» می‌گوید: «همچنین از جمله چیزهایی

که در حوزه ایمان به خدا و به کتاب‌ها و فرشتگان و به پیامبران الهی، که قبلاً ذکر کرده‌ایم وارد است، ایمان به این مطلب است که در روز قیامت، مؤمنین خدا را با چشمان خود می‌بینند؛ همان طور که خورشید را در آسمان صاف و بدون ابر می‌بینند، و همان طور که ماه شب چهارده را می‌نگرند، در دیدن او سبحان- زحمتی برایشان پیش نمی‌آید. مؤمنین خدای سبحان را می‌بینند، در حالی که در صحرای محشر هستند، و پس از داخل شدن به بهشت نیز او را می‌بینند.» [۲] این سخن ابن تیمیه را که می‌گوید «با چشمان خود می‌بینند» ملاحظه کنید و دقت

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

مردم فرانسه، بریتانیا و آمریکا باید بدانند حکومت‌هایشان - که حامی قصاب‌ها هستند - گناهان کشتاری را که وهابی‌های قصاب در سوریه مرتکب می‌شوند به دوش می‌کشند.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ فوریه ۲۰۱۳)

داشته باشید که نگاه کردن با چشم، فقط هنگامی امکان دارد که به سمت و سویی باشد. لذا ابن جریرن یکی از علمای بزرگ آن‌ها به صراحت تمام اعلام می‌دارد که خداوند از سمت خاصی دیده می‌شود. [۳]

همچنین فرمود:

«اما سخنان و توجیه فقها و علمای بی‌عمل وهابی (یا کسانی که خود را سلفی می‌نامند) برای خارج شدن

از حد جسم قائل شدن برای خداوند و لوازم آن از جمله کفر و شرک به این گونه که خدای سبحان دست و انگشتانی دارد [۴] که سزاوار جمال و کمال یا جلال اوست، یا اینکه می‌گویند او هر طور که بخواهد می‌آید و نظایر آن، جملگی باطل است و به نظر می‌رسد آن‌ها متوجه معنای سخنانی که می‌گویند نیستند؛ وگرنه چنین چیزهایی را بر زبان جاری نمی‌کردند؛ زیرا قائل شدن به «دست و ساق و آمدن و دیدن او با چشم و...» باطل و کفر و شرک است، و فرق نمی‌کند که منظور آن‌ها، مادی جسمانی باشد یا روحانی [۵]، یا آن‌طور که خودشان می‌گویند «بلا کیف» (بدون کیفیت)



باشد. اینکه آن‌ها به وادی شرک و کفر فرو غلطیده‌اند، فقط به دلیل این نیست که دستی برای خدا اثبات کرده‌اند که وصف دارد تا با نفی وصف از آن و طبق گفته‌شان یعنی «بدون کیفیت» از حد کفر و شرک خارج شوند؛ و نه به این دلیل است که ساقی که برای خدا ثابت کرده‌اند، ناقص است و لذا با اثبات صفات لاهوت مطلق برای آن بر اساس این گفته‌شان که «سزاوار کمال و جمال اوست» از کفر و شرک برهند؛ بلکه شرک و کفری که در آن افتاده‌اند خود اثبات دست و ساق برای خداوند است؛ فرق نمی‌کند با چه ویژگی و اعتباری بر آن اضافه کرده‌اند؛ و این از آن روست که وقتی برای خدای سبحان دست و ساق قرار می‌دهند، او را مرکب می‌سازند و هر مرکبی، محدود و قابل شمارش است و خدای یگانه از ترکیب و شمارش منزّه است. خداوند تعالی می‌فرماید: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) (بگو اوست خدای یکتا)؛ یعنی ذات او احدیت است و از اجزا ترکیب نیافته است تا دست و ساق داشته باشد؛ خداوند

سید احمد الحسن (علیه السلام):

بر ملت‌های فرانسه، انگلیس و آمریکا [لازم] است که بدانند حکومت‌هایشان که از قتل و کشتار پشتیبانی می‌کنند، شریک اصلی هر نتیجه مصیبت باری هستند که در سوریه اتفاق می‌افتد. (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۵ فوریه ۲۰۱۳)

شود، بی آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد]، بی تردید، خدا آمرزندهٔ مهربان است. [مائده، ۳]

بر حسب این آیه آنچه کامل شده، دین است و دین همان شریعت و عقیده است و سخن دربارهٔ کامل نشدن هریک از آن‌ها با ظاهر آیه در تعارض است؛ همان گونه که کامل نبودن هرکدام از آن‌ها در واقع و در نگرش هریک از طوایف اسلامی بدین معناست که آن طایفه بر حق نیست؛ چون وضعیت احوال آن‌ها با ظاهر روشن قرآن مخالف است.

سلفی‌ها یا وهابیون و به‌طور عموم اهل سنت، در گذشته

خفه‌شده، و به زجر کشته‌شده، و آن‌ها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آن‌ها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقی ماندهٔ صید حیوان درنده - مگر آنکه آن را سر ببرید - و آنچه برای بتان سربریده شده، بر شما حرام شده است؛ و قسمت کردن گوشت حیوان به وسیلهٔ چوبه‌های تیر مخصوص بخت‌آزمایی، تمام این اعمال، فسق و گناه است. امروز، کافران از آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آن‌ها تترسید! و از من تترسید! - امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین شما قرار دادم و هرکس دچار گرسنگی

بلندمرتبه‌تر است از آنچه برایش شریک می‌گیرند. تعدد ملازم ترکیب است و دلالتی آشکار دارد بر شرک کسی که چنین چیزی را به خدا نسبت دهد؛ زیرا این موضوع به معنای تعدد لاهوت مطلق است، و خداوند از آنچه ستمگران می‌گویند منزّه و والاتر است. [توحید، وهابیون نیز در حدود توحید راه تفریط پیمودند.]

نقص دین اسلام نزد بزرگان دین وهابی سلفی

از دیگر نکاتی که نباید از آن غافل شویم این است که اینان طبق آرا و نظرات خود تشریع می‌کنند. این عمل آنان مخالف کلام خدا در قرآن است؛ اما چگونه؟ کافی است به تفسیر آیه «اکمال دین» (آیه سوم سوره مائده) توسط احمد الحسن (علیه السلام) نگاهی بیندازیم؛ آنگاه علت این انحراف دیگر وهابیون را به خوبی خواهیم یافت. ایشان در بخشی از توضیحاتش فرمود:

«خداوند متعال می‌فرماید: «گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات



سید احمد الحسن (علیه السلام):

مردم فرانسه، بریتانیا و آمریکا باید بدانند حکومت‌هایشان - که حامی قصاب‌ها هستند - گناهان کشتاری را که وهابی‌های قصاب در سوریه مرتکب می‌شوند به دوش می‌کشند.

(صفحهٔ رسمی فیس‌بوک، ۱۵ فوریهٔ ۲۰۱۳)

اکمال دین دیده نمی‌شود. بنابراین دین با تنصیب سخن‌گویی از طرف خداوند یا خلیفه خدا بعد از رسول الله ﷺ کامل می‌شود و بدین وسیله دین از لحاظ عقیده و تشریع کامل می‌شود و هیچ شکافی در چنین دینی یافت نمی‌شود که فقهای غیر معصوم با آرا و هوای نفسانی خود آن را کامل کنند؛ درست همانند حال و وضع اعتقاد اهل سنت که با ظاهر آیه در تعارض است.» [دیدار پالتاک، ۳۰ رجب ۱۴۳۶ق، سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴]

کلام پایانی:

گمان می‌کنیم که این دلایل به‌وضوح برای هر شخص منصفی کفایت می‌کند که دریابد عقاید تروریست‌های سلفی اساساً با اسلام هم‌خوانی ندارد. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به دیگر موضوعات این ویژه‌نامه یا کتب احمد الحسن علیّه‌السلام نظیر «سیزدهمین حواری»، «توهم بی‌خدایی» و کتاب «توحید» مراجعه کنید.

یا وهابیون به وجود دو چشم و دو دست و انگشت حقیقی برای خداوند معتقد هستند و اشاعره همچون اشاعره ازهر به این معتقد نیستند؛ بلکه اعتقاد دارند که اعتقادات سلفی‌ها یا وهابیون باطل است... اما نزد خاندان محمد (درود خداوند بر ایشان باد) دین با تنصیب خلیفه الهی کامل می‌شود؛ جایی که ایشان ﷺ بیان عقیده درست و تشریع به امر خدا را بر عهده می‌گیرند و در نتیجه هیچ شکاف و تناقضی میان این عقیده و ظاهر آیه

و حال، بدون داشتن نص از معصوم در بسیاری از حوادث و رویدادهای جدید زندگی که نیاز به حکم تعبیدی دارند، از خودشان حکم شرعی صادر می‌کنند (مانند نماز در مناطق نزدیک به قطب) که در نهایت امر، واقعیت احوال آن‌ها حاکی از آن است که دین نزد آن‌ها کامل نیست و به همین سبب ناچار شدند به هنگام نبود نص، طبق آرا و نظرات خود تشریع کنند؛ همان طور که آن‌ها نیز در عقیده میان خود اختلاف زیادی دارند؛ مثلاً سلفی‌ها



سید احمد الحسن علیّه‌السلام:

دین وهابیون، دین شیطان‌ناتوان از رویارویی با دین اسلام حقیقی محمدی است؛ دینی که آل محمد علیّه‌السلام تمثیل‌گرش هستند. (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۷ فوریه ۲۰۱۳)

منابع:

[۱] بعضی مثال‌های پیوست ۳ [کتاب توحید] را مطالعه کنید و به فتوای‌های البانی، ابن‌باز، ابن‌جبیر و ابن‌عثمین و سایر علمای وهابیت مراجعه کنید و ببینید که امامان وهابیت چه به نگارش درآورده‌اند؛ خواهید دید که به‌صراحت می‌گویند خداوند دست راست و دست چپ و انگشتانی دارد، «تعالی الله علوا کبیرا» از آنچه می‌گویند. به‌صراحت، تجسیم را از دید آن‌ها خواهید یافت که خداوند در آسمان است و پرسش از اینکه او کجاست و اینکه او بالای عرش است، صحیح است. آن‌ها خداوند را با محدودیت‌های مخلوق، محدود می‌کنند؛ خداوند والاتر از آنچه است که می‌گویند: «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا * تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا» «هر آینه سخن زشتی آورده‌اید * نزدیک است که از این سخن، آسمان‌ها بشکافند و زمین باز شود و کوه‌ها فرو افتند و در هم ریزند.» [مریم، ۸۹ و ۹۰] به فتوای‌های البانی، ابن‌باز، ابن‌جبیر، ابن‌عثمین و سایر علمای وهابیت مراجعه کنید. [۲] ابن تیمیه، کتاب «العقيدة الوسطية»،

باب «واجب بودن ایمان با رؤیت پروردگارشان توسط مؤمنین در روز قیامت و مکان‌های رؤیت».

[۳] ابن‌جبیر در تعلیقش بر کتاب «لمعة الاعتقاد» ابن‌قدامة می‌نویسد: «اما رؤیت در آخرت، اهل سنت رؤیت و دیدن صریح را ثابت کرده‌اند؛ مؤمنین در بهشت خدای متعال را می‌بینند و او را زیارت می‌کنند و با او سخن می‌گویند و او نیز با آن‌ها سخن می‌گوید... مذهب اهل سنت را این‌گونه می‌شناسم. آیا می‌گوییم: آیا او را از جهت و سویی می‌بینند؟ شکی نیست که آن‌ها او را بالای سرشان می‌بینند و او را به‌واقع می‌بینند، دیدنی رودرو؛ دلایل آن واضح است که از صحیح‌ترین آن‌ها حدیث جریر است که می‌گوید: «او را می‌بینند مانند ماه شب چهارده» یا «همان گونه که این ماه را می‌بینید»...» برای تفصیل بیشتر به پیوست ۳ مراجعه کنید.

[۴] ابن‌جبیر می‌گوید: «... انگشتان

در دست هستند؛ ولی الزامی ندارد که مانند انگشتان مخلوق‌ها در سرانگشتان یا در طول آن یا در فلان جا یا فلان جا باشد؛ بلکه چیزی که ثابت می‌شود، وجود دست و انگشتان در آن است.» سخن ابن‌جبیر پایان می‌یابد و می‌بینیم که آن‌ها فقط به اثبات دست راست و چپ بسنده نمی‌کنند؛ بلکه معتقدند که خداوند، انگشتانی در دست دارد، تعالی الله علوا کبیرا از آنچه اعتقاد دارند. می‌توانید به سایر متون در پیوست ۳ رجوع کنید. [۵] با این سخن آن‌ها که نگاه کردن به خداوند سبحان با بینایی و دو چشمی که در صورت انسان قرار دارد، نمی‌توان تصویری داشت جز اینکه به‌صراحت جسمی برای خداوند متصور شد. می‌توانید برخی از سخنان علمای وهابیت را در پیوست ۳ ملاحظه کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَهُوَ اللَّهُ كَدَّ اللَّهُ لَصَمًا
لَهُ بِبَوَلٍ وَبَوَلٍ وَبَوَلٍ
كَهْوَاكِدْ مَدْفَنُ اللَّهِ

سید احمد الحسن (علیه السلام):

انفجارهای مصیبت بار کویت و بغداد، تأیید می‌کنند که وهابی‌های خون‌خوار و قاتل، دینشان شیطانی است و بر اساس دشمنی با آل محمد (علیهم السلام) و اهانت به شهرت اسلام و پیامبرش محمد (صلی الله علیه و آله) پایه‌گذاری شده است. (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۷ فوریه ۲۰۱۳)

اخلاق قرآنی، نه اخلاق وهابی

علاوه بر اینکه بین دین اسلام و وهابیت فرق بسیاری در عقاید وجود دارد، به‌طور کلی اخلاق قرآنی نیز با اخلاق وهابی متفاوت است.

عدالت داشتن با دشمنان

احمد الحسن رحمته الله فرمود:

«خدای متعال فرمود: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید در حالی که به عدالت گواهی می‌دهید، و نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت پیشه نکنید. عدالت داشته باشید که به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا پروا داشته باشید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است) [مائده، ۸]

دلیل بر اینکه قرآن از سوی خداوند است، حکمت والایی است که قرآن آورده. از نظر بنده همین سخن حق تعالی که «عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک‌تر است» به‌تنهایی کافی است تا ثابت کند قرآن از سوی خداوند است.

عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک‌تر است...

محمد صلی الله علیه و آله با ناملایمات و دشمنی بسیاری از افراد پیرامونش احاطه شده بود؛ زیرا آن حضرت -از دید آن‌ها- آمده بود تا شکوه و بزرگی یا سلطه دینی یا حکومت دنیوی آن‌ها را نابود کند؛ علاوه بر منافقانی که درصدد به‌دام انداختن آن حضرت بودند. ملاحظه می‌کنیم که آن حضرت این کلمات را آورد؛ کلماتی

که به او و پیروانش دستور می‌دهد با دشمن به عدالت و انصاف رفتار کند، حتی در سخن گفتن. عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک‌تر است...

آیا می‌خواهید میزان حکمت نهفته در این آیه را بدانید و اینکه این آیه دربردارنده چه معنای بزرگی در نبرد با نفس و «من» یا روزه در بالاترین درجاتش است؟ اعمال خود را به آن عرضه بدارید.

به خودتان بنگرید و اینکه با دشمنان یا کسی که دشمنی خود را با شما علنی می‌کند چگونه رفتار می‌کنید و نفستان چه دستوری به شما می‌دهد. آیا با کسی که با شما دشمنی می‌کند به عدالت و انصاف رفتار می‌کنید؟ آیا از دروغ‌بستن و افترازدن بر او خودداری می‌کنید؟ آیا او را فقط به همان چیزی که هست توصیفش می‌کنید؟ آیا اگر او کار خوبی کرد می‌گویید کار خوبی انجام داد، همان‌طور که به‌دنبال شکار هر خطایی از او هستید یا از هر کاری، برای او گناهی نابخشودنی می‌سازید؟!

آیا می‌خواهید بدانید عمل کردن به این آیه چقدر دشوار است؟

بنگرید بیشتر مردم چگونه با دشمنان خود رفتار می‌کنند. خواهید دید بیشترشان مخالفان خود را تحمل نمی‌کنند و آن‌ها را با زشت‌ترین اوصاف،

سید احمد الحسن رحمته الله :

آن‌ها همان راه فرعون -یعنی کشتار و سربریدن- را می‌پیمایند.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۱۷ فوریه ۲۰۱۳)



عیسی علیه السلام گفت:

(... ۱۴ و شیطانی را که گنگ بود بیرون می کرد و چون دیو بیرون شد، گنگ گویا شد و مردم تعجب کردند. ۱۵ لیکن بعضی از ایشان گفتند که شیطان ها را به یاری بعزبول رئیس شیطان ها بیرون می کند ۱۶ و دیگران نیز به قصد آزمودن او، خواستار آیتی آسمانی شدند. ۱۷ پس او افکار ایشان را درک کرده، بدیشان گفت: هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود، تباه شود و خانه ای که بر خانه منقسم شود، منهم گردد. ۱۸ پس شیطان نیز اگر به ضد خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند...).

[انجیل لوقا، فصل ۱۱]

فردی که به انجیل ایمان دارد، باید متونی از قرآن را بخواند و با انصاف در آن تدبر کند. بر اساس متن پیشین انجیل، آیا امکان دارد که این متون را شیطانی بدانند؛ همان طور که افرادی که از محمد کینه به دل دارند، این کار را انجام می دهند؟ و این مثال هایی از متون قرآنی است:

(با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف شده است، داناتر و او به راه یافتگان داناتر است). [نحل، ۱۲۵]

(و خدا را پرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و هم نشین و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید] که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است، دوست نمی دارد). [نساء، ۳۶]

(و از مردم رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خود پسند لافزن را دوست نمی دارد). [لقمان،

۱۸]

افتراها و دروغ ها توصیف می کنند. پس با کسانی که با آنها دشمنی می کنند چگونه رفتار خواهند کرد!

عدالت پیشه کنید که این به تقوا نزدیک تر است...

[صفحه رسمی احمد الحسن در فیس بوک، ۱۷ ژوئن ۲۰۱۵]

ارزش های اخلاقی در قرآن

همچنین شما می توانید به این آیات از قرآن که در روشنگری احمد الحسن علیه السلام برای مسیحیان وجود دارد، دقت و تدبر کنید و این سؤال را از خود پرسید که آیا واقعاً اسلام، دین بی رحمی و خشونت است؟ احمد الحسن علیه السلام فرمود:

«در کتاب مقدس، حکمت و علم و دعوت به حاکمیت خداوند وجود دارد و بیان اینکه دعوت کنندگان به شیطان با بی خردی سخن می گویند؛ در حالی که دعوت کنندگان به خداوند، به حکمت سخن می گویند و محمد صلی الله علیه و آله با حکمت و علم آمده است.



سید احمد الحسن علیه السلام:

در سطح اخلاق نیز دین سلفی وهابی عبارت است از کارخانه تولید قاتلان، خون ریزها و خون خوارهایی که از سر بریدن کودکان و زنان و خوردن جگر کسانی که می کشند سیر نمی شوند؛ درست به همان صورتی که در سوریه رفتار کردند.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۶ مارس ۲۰۱۴)



آیا این وصیت‌های همه پیامبران و حکمت آنان نبود که از سوی خداوند آن را بیاورند: (معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشیند)* و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سال خوردگی رسیدند به آن‌ها اُف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آن‌ها سخنی شایسته بگوی* و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنان‌که مرا در خُردی پروردند* پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید، آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است* و حق خویشاوند را و مستمند و در راه‌مانده را به او بده و ول‌خرجی و اسراف مکن* چراکه اسراف‌کاران، برادران شیاطین‌اند؛ و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است* و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی* و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار گشاده‌دستی منما، تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی* بی‌گمان پروردگار تو برای هر که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. در حقیقت او به بندگان خود را آگاه بیناست* و از بیم تنگ‌دستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم. آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است* و به زنا نزدیک نشوید؛ چراکه آن همواره زشت و بد راهی است* و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق نکشید و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم. پس نباید در قتل زیاده‌روی کند؛ زیرا او یاری شده است* و به مال یتیم جز به بهترین وجه نزدیک نشوید تا به رشد برسد و به پیمان وفا کنید؛ زیرا که از پیمان

(تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده است شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد). [حدید، ۲۳] این آیات را از سوره اسراء بخوانند و از خودشان بپرسند:

آیا شیطان به پرستش خداوند به تنهایی دعوت می‌کند؟ آیا شیطان به اخلاق نیکو و نیکی به پدر و مادر و فقرا و انفاق مال و کمک به فرد نیازمند دعوت می‌کند؟ و از کشتار و زنا و تجاوز به مال یتیم باز می‌دارد و به وفای به عهد و کامل کردن پیمان‌ها دستور می‌دهد؟

اگر شیطان به این اخلاق پاک دعوت می‌کند، پس به نظر آنان، خداوند سبحان و متعال به چه چیزی دعوت می‌کند؟



سید احمد الحسن (علیه السلام):

جهان چقدر باید - به خاطر تروریسم سلفی وهابی، که سعودی منشأ و حامی آن است - خون بدهد تا دین وهابی سلفی، مجرم و محکوم شود آن هم به عنوان تفکری که به تروریسم جهانی تشویق می‌کند؟! (صفحه رسمی فیس‌بوک؛ ۲۷ مارس ۲۰۱۶ م)

عیسی علیه السلام گفت:

(هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود، تباه شود و خانه‌ای که بر خانه منقسم شود، منهم گردد. ۱۸ پس شیطان نیز اگر به ضد خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند).

آیا لازم نیست که مسیحیان این سخن را ملاک قرار دهند و با مطالب قرآن مقایسه کنند تا متوجه شوند که قرآن از سوی خداوند است. آیا این همان مقایسه عیسی علیه السلام نیست؟ پس چرا از آن روی گردان هستند؟ جز آنکه به قسمتی از کتاب، ایمان داشته باشند و به قسمتی دیگر کفر ورزند؟

قرآن سرشار از حکمت و دعوت به خوبی و زینت به اخلاق پاک کریمه است. چگونه چنین چیزی می‌تواند از شیطان بی‌خرد باشد که همیشه به بدی و اخلاق مذموم دعوت می‌کند؟ آیا شیطان بر ضد خودش تجزیه می‌شود؟ آیا حکومت شیطان، بر ضد خودش تقسیم می‌شود؟

آیا جز این است که شیطان با این خصوصیت شناخته می‌شود که دعوت به برپاداشتن حکومت خود می‌کند، نه مُنهدم کردن آن.

اعتقاد دارم انسان‌ها - اگر اراده کنند - پس قادرند بر جداسازی بین حکمت و نادانی، بین خیر و شر، بین اخلاق پاک و اخلاق مذموم. «

[عقاید اسلام، خلافت محمد صلی الله علیه و آله، دوم، علم و حکمت]

پرسش خواهد شد * و چون پیمان می‌کنید پیمان را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش‌فرجام‌تر است * و چیزی را که به آن علم نداری، دنبال مکن؛ زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد * و در زمین به نخوت گام بر مدار؛ چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوه‌ها نمی‌توانی رسید * همه این کارهای بد نزد پروردگار تو ناپسند است * این از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است و با خدای یگانه، معبودی دیگر قرار مده؛ وگرنه حسرت‌زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد. [اسراء، ۲۲ تا ۳۹]



سید احمد الحسن علیه السلام:

عریان ساختن دین سلفی و بیان برائت اسلام از آن بر هرکسی که امروز ادعای مسلمان بودن دارد واجب است؛ چه سنی باشد و چه شیعه.

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۶ مارس ۲۰۱۴)





اخلاق محمدی

در این مقاله با برخی از اخلاق و رفتار پیامبر اسلام و خلفای او آشنا خواهید شد تا آنکه نمی‌دانند بدانند و خود قضاوت کند که آیا آن چهره‌ای که از پیامبر اسلام در غرب نشان می‌دهند با حقیقت تشابهی دارد یا خیر.

ضد تروریستی

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

«ای مردم! به درستی که پروردگار شما یکی است و پدر شما یک نفر است؛ پس عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ پوست بر سیاه پوست، و سیاه پوست بر سرخ پوست فضیلتی ندارد، مگر به سبب تقوا و پرهیزکاری؛ چنان که باری تعالی فرمود:» ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.»

[معدن الجواهر، صفحه ۲۱]

همچنین او با قرآنی آمد که در سورة حجرات آن، آیه ۱۳ آمده است: (ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین

شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است).

به جهان نگاه کنید و بنگرید که چند درصد مردم به این اخلاق آراسته هستند؟

آزادی اسیران

احمد الحسن علیّه السلام فرمود:

«پیامبر ما محمد ﷺ پس از جنگ بدر، اسیران کفار را فقط در برابر دریافت فدیة‌ای ساده آزاد کرد. این فدیة تا به آنجا رسید که هر کدام از این اسیران به جمعی از مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزد.

این اسیران که رسول رحیم و کریم و نمونه انسانیت، آزادشان کرد به محمد ﷺ ایمان نداشتند؛ بلکه در جنگی بودند که می‌خواستند

سید احمد الحسن علیّه السلام :

آیا این مطلب کفایت می‌کند که همه حرکت‌های تروریستی که همه اتفاق نظر دارند آن‌ها تروریست هستند مرجع و ریشه دینی آن، سلفی وهابی است، و بر اساس کتاب‌های محمد بن عبد الوهاب، مجرم سعودی و فرد قبل از او، ابن تیمیة حرانی است؟! (صفحه رسمی فیس‌بوک، ۲۷ مارس ۲۰۱۶)



حضرتش را به قتل برسانند و کارش را یکسره کنند؛ اما آنچه پیامبر خدا محمد ﷺ انجام داد دقیقاً همان چیزی است که از اخلاق انبیا و صالحان انتظار داریم و حتی از هرکسی که در اخلاق انسانی جهت اقتدا کردن به بعضی از رفتارهایشان مثال‌هایی زده شده است؛ مثل گاندی و ماندلا.»

[صفحه رسمی فیس‌بوک، ۳۰ اکتبر ۲۰۱۴]

دعا برای آزاد دهندگان

احمد الحسن فرمود:

«قریش حتی در موسم حج نیز آن حضرت را آسوده نمی‌گذارند؛ بلکه مردمان را وادار به تکذیب و مسخره کردن ایشان می‌کردند و آن حضرت با آنان با تسامح و صبر مقابله می‌نمود.

روایت شده است که پیامبر ﷺ به‌طور مرتب چنین مضمونی را می‌فرمود: «پروردگارا! قوم مرا بیامرز؛ اینان نمی‌دانند.» [اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۸۴؛ بحار‌الانوار، ج ۹۵، ص ۱۶۷؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۴۲۷؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۱]

در سایه چنین شرایط دشوار و دردآوری، گروهی از مسیحیان حبشه به همراه جعفر بن

ابی طالب هنگام بازگشتش به مکه پس از مهاجرتش به همراه گروهی از یاران رسول خدا ﷺ به حبشه نزد پیامبر آمدند. مسیحیان سی‌واندی بودند:

وقتی با رسول خدا ﷺ هم‌نشین و از ویژگی‌ها و احوال آن حضرت باخبر شدند و به آیاتی از قرآن مجید که برایشان تلاوت می‌فرمود گوش فرادادند، همگی ایمان آوردند. [گوساله، ج ۱، محمد ﷺ دعوت‌کننده به سوی خدا در مکه]

اخلاق آل محمد

حتی جانشینان پیامبر اسلام نیز صاحب‌برترین اخلاق بودند؛ احمد الحسن علی‌ه‌السلام فرمود:

«یکی از افراد نادان، مادر یکی از معصومین علی‌ه‌السلام را دشنام داد. آن حضرت علی‌ه‌السلام فرمود: «اگر راست‌گو باشی خداوند او را ببخشد و اگر دروغ‌گو باشی خداوند تو را ببخشد.»

یکی از جاهلان امام حسن علی‌ه‌السلام را دشنام داد. حضرت از او گذشت و به او احسان کرد. این قضیه با امام کاظم علی‌ه‌السلام نیز اتفاق افتاد و حضرت نیز با احسان با آن روبه‌رو شد.

عفو و نیکی، خصلت این معصومین علی‌ه‌السلام و نیز اخلاق انبیا

و اوصیاست و از خداوند امید دارم که من نیز این‌گونه باشم.» [پاسخ‌های روشن‌گرانه، ج ۵، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۵۱۲] و بخوانیم آنچه در روایات آمده است:

در باره امام حسن، دومین وصی پیامبر اسلام می‌خوانیم: «آنچه مبرّد و ابن‌عایشه از صبر او نقل کرده‌اند:

روزی حضرت امام حسن علی‌ه‌السلام سوار بر مرکبی بود. مردی از اهالی شام آن حضرت را دید و شروع کرد به دشنام‌دادن؛ ولی آن حضرت هیچ پاسخی نداد. وقتی مرد شامی از ناسزاگفتن دست برداشت، حضرت پیش رفت و به او سلام کرد و لبخندی زد و فرمود: ای مرد، به گمانم غریبی، و گویا امر بر تو مشتبه شده باشد. اگر رضایت ما را خواسته باشی، از تو راضی هستیم. اگر از ما چیزی بخواهی، آن را به تو می‌بخشیم. اگر از ما هدایت طلب کنی، تو را ارشاد می‌کنیم. اگر خواسته باشی باری از دوش برداریم، دریغ نداریم. اگر گرسنه‌ای، با غذا سیرت می‌کنیم. اگر عریانی، با لباس تو را می‌پوشانیم. اگر درمانده‌ای، بی‌نیازت می‌کنیم. اگر رانده‌شده‌ای، پناهت

سید احمد الحسن علی‌ه‌السلام:

(القاعده = سلفی وهابی، بوکو حرام = سلفی وهابی، جبهه النصره = سلفی وهابی، داعش = سلفی وهابی.)

(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۲۷ مارس ۲۰۱۶)



می‌دهیم. اگر حاجتی داری، آن را برایت برآورده می‌سازیم. اگر به‌سوی ما بیایی و تا هنگام بازگشت مهمان ما باشی برایت بهتر خواهد بود. زیرا ما مهمان‌سرا داریم و خانه وسیع و ثروت بزرگی در نزد ماست. چون مرد شامی سخن حضرت را شنید، گریست و گفت: گواهی می‌دهم که تو جانشین خدا در

زمین هستی، و خدا آگاه‌تر است که خلافت و رسالت را در کجا قرار دهد. تو و پدرت دشمن‌ترین آفریده‌های خدا نزد من بودید و اکنون تو محبوب‌ترین خلق خدا در نزد من هستی. پس بار خود را به خانه آن حضرت برد و مهمان او بود تا وقتی که می‌خواست به شام برگردد. و از محبان اهل بیت شد. [بحارالانوار، ط مؤسسه

الوفاء، ج ۴۳، ص ۳۴۴] همچنین درباره امام باقر، پنجمین وصی پیامبر اسلام می‌خوانیم: «نصرانی به او [امام باقر علیه السلام] گفت: «انت بقر/ تو گاو هستی!» [آن حضرت در جواب] فرمود: «انا باقر/ من باقر هستم!» نصرانی گفت: تو پسر آشپز هستی! [امام باقر علیه السلام] فرمود: آن شغلش است.

[نصرانی] گفت: تو پسر کنیز سیاه زنگی بد زبان هستی.

[امام باقر علیه السلام] فرمود: اگر راست گفتی، خدا او را پیامرزد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را پیامرزد. [مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۳۷]

و تأکید می‌کنیم نکات اخلاقی بسیاری وجود دارد که در این مقاله نمی‌گنجد که حتی شامل رعایت حقوق حیوانات نیز می‌شود؛ اکنون با توجه به آنچه ارائه شد این سؤال را از هر شخص منصفی می‌پرسیم که آیا آنچه در غرب از پیامبر اسلام و اسلام به تصویر کشیده می‌شود با حقیقت هم‌خوانی دارد؟



أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

سورة ابراهيم - آية ۲۴

HAVE YOU NOT CONSIDERED HOW ALLAH SETS FORTH A PARABLE OF THE GOOD WORD BEING LIKE A GOOD TREE, WHOSE ROOT IS FIRM AND WHOSE BRANCHES ARE IN HEAVEN

SURA IBRAHIM - AYAH 24

ندیدی خداوند چگونه کلمه طیبه را مثال زد به درختی پاک که ثابت است و آنچه از او ناشی می‌شود رو به آسمان دارد؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

هر وهابی سلفی، یک تروریست یا یک پروژه تروریستی در آینده است.
(صفحه رسمی فیس‌بوک، ۲۷ مارس ۲۰۱۶)



آزادی بیان



هنگامی که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و در شهر پاریس، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید، شاید در آن زمان کسی گمان نمی‌کرد که در سال ۲۰۲۰ مفهوم بیچاره «آزادی بیان» به چنین حال و روزی بیفتد!

بدهید:

منظور از آزادی بیان چیست؟ آیا حدود مرزی هم برای این آزادی وجود دارد یا خیر؟!



اگر بگویید حدود مرزی وجود ندارد، باید به پیامدهای آن هم پایبند باشید و بر این اساس، شما باید موافق تمامی ناهنجاری‌هایی باشید که با بیان و زبان انجام می‌شود؛ مثل تهمت و افترا، توهین، ترور شخصیت و...؛ این در حالی است که در حالاتی از این دست، آزادی بیان با برخی دیگر از حقوق و آزادی‌های انسانی، تعارض و مخالفت پیدا می‌کند؛ حتی همین شخصی که اکنون نقاب

مفهومی که امروزه بیش از هرچیز دست‌مایه سلاطین حاکمان و اقتضائات عالم سیاست و قدرت قرار گرفته است.

جریان از این قرار است که فردی به عقاید دیگران توهین می‌کند و هنگامی که با واکنش و اعتراض آن‌ها مواجه می‌شود، سعی می‌کند اشتباه خود را در پس عنوان «آزادی بیان» پنهان کند.

احتمالاً منظور وی از آزادی بیان، همان چیزی است که در بند نوزدهم از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به آن اشاره شده است. بند نوزدهم می‌گوید:

«هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.» ممکن است برخی از شما هم حق را به شخص اهانت‌کننده بدهید و بگویید:

طبیعتاً وقتی پای آزادی بیان در میان است، بیان یک فرد نباید واکنش و اعتراض و برخوردی را در پی داشته باشد...

اگر این چنین است باید به چند پرسش هم پاسخ

سید احمد الحسن (علیه السلام):

دین سلفی وهابی، عبارت است از دینی که بر جرم و کشتار و تجاوز بر دیگران استوار است.

[...] این‌ها جلوه‌ای از روش سفیانی اُموی هستند که از آغاز بعثت فرستاده خدا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

با اسلام دشمنی می‌کردند. (گفت‌وگوی زنده در پالتاک، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵)

امروزه مفهوم آزادی بیان تحت تأثیر دلخواه اصحاب قدرت و در راستای اهداف آنها، به گروگان گرفته شده است.

به عقاید دیگران اهانت می کنند و نام آن را آزادی بیان می گذارند؛ حال فرقی ندارد که این اهانت، اهانت به رسول خدا و تحت عنوان «آزادی بیان و طنز» باشد، یا اهانت به سید احمدالحسن و تحت عنوان «آزادی بیان و نقد علمی»؛ در هر صورت اهانت به عقاید دیگران است...



و این در حالی است که کوچک ترین نقد و نه اهانت نسبت به بسیاری از همین حاکمان حامی آزادی بیان، پیگیری های امنیتی و قضایی سختی را به دنبال دارد.

در این حال باید گفت:

حقی که در پاریس ۱۹۴۸ در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح و تصویب شد، امروزه با بشر و حقوق وی هیچ ارتباطی ندارد؛ تنها به بازیچه ای بدل شده که حاکمان در راستای پیشبرد اهدافشان از آن سوءاستفاده می کنند...

دفاع از آزادی بیان بر چهره زده و به همین بهانه، از توهین به عقاید دیگران حمایت می کند، قبلاً خودش نیز به دنبال یک توهین - که چه بسا به گمان برخی یک شوخی ساده بود - برآشفت و موضع گیری کرد.



برای مشاهده متن خبر، کلیک کنید

اما اگر بگویید آزادی بیان، بی قید و بند نیست و برای خود ضوابط و چهارچوبی دارد، در این صورت سؤال اساسی اینجاست:

ضوابط صحیح آزادی بیان چیست؟!

اگر ملاک را همان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» هم قرار دهیم، باید بدانیم که این پیمان بین المللی به هیچ وجه این حق را به افراد نداده که با سوءاستفاده از حق آزادی بیان، به حقوق دیگران تجاوز کنند؛ در بخش قبل از بندی که مربوط به آزادی بیان است، یعنی در بند هجدهم «اعلامیه جهانی حقوق بشر» چنین می خوانیم: «هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی عقیده، تغییر مذهب [دین] و آزادی علنی [و آشکار] کردن آیین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و برگزاری آن در محیط عمومی یا خصوصی است و هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه را ندارد.»

به عبارت پایانی این بند توجه کنید:

«هیچ فردی حق اهانت و تعرض به فرد دیگری به لحاظ تمایز و اختلاف اندیشه را ندارد.»

آری، همان طور که در ابتدای این نوشتار هم گفتیم،

سید احمد الحسن علیه السلام:

آل محمد علیهم السلام نماینده اسلام حقیقی هستند؛ آنان وارثان پیامبر صلی الله علیه و آله، پیامبر اسلام هستند.

(گفت و گوی زنده در پالتاک، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵)



نور پیامبر اسلام، تاریکی قرون وسطا را روشنی بخشید

قطعاً رسول خدا ﷺ تأثیر مثبت و عمیقی در تمدن بشری داشته است؛ به علم‌آموزی و عمل کردن تشویق کرد و به فضل وجود ایشان اختراعاتی به دست آمده است که امروزه در کارخانه‌ها و دستگاه‌های الکترونیکی و بیمارستان‌های ما و... وجود دارد.

بسیاری از مردمان امروز فکر می‌کنند اسلام و تفکر اسلامی مانع پیشرفت جوامع است؛ از این رو پیامبر اسلام یعنی حضرت محمد ﷺ را مذمت می‌کنند!

این برداشت اشتباه ناشی از این مسئله است که عموم مردم با تاریخ کامل بشریت آشنایی ندارند؛ تاریخ مکتوبی که از تمدن باشکوه سومری شروع شد و به قرون طلایی اسلام رسید و در انتظار ثبت آینده‌ای درخشان‌تر در حکومت عدل و داد مهدوی است. پس شایسته است بار دیگر تاریخ را ورق بزنیم و بدون تعصب در آن تأمل کنیم تا حق را بیابیم. پرسشی که در پی یافتن پاسخ آن هستیم این است: آیا تمدن اسلامی نقشی در

شکل‌گیری جهان مدرن امروزی داشته است یا خیر؟

همان طور که می‌دانید در گذشته‌ای نه‌چندان دور یعنی قرون وسطا، اروپا در تاریکی و خفقانی به سر می‌برد که حاصل سایه بی‌برکت علمای بی‌عمل مسیحیت بود؛ اما در همان دوران رکود علمی اروپا، در آن سوی جهان شاهد ظهور تمدن اسلامی بودیم که توانست همان قرون تاریک را تبدیل به قرون طلایی کند!

آری این یک حقیقت تاریخی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند.

اما پرسشی که مطرح می‌شود آن است که چه کسی بنیان‌گذار این تمدن عظیم و قرون شگفت‌انگیز طلایی بود؟

سید احمد الحسن (علیه السلام):

امروزه شر و شیطان در آمریکا و ایجاد القاعده (همان قاعده شیطان) نمایان است؛ القاعده‌ای که حاصل سیاست‌های آمریکاست.

(پاسخ‌های روشنگرانه، جلد ۲، بخشی از پاسخ به پرسش شماره ۱۰۷)

استفاده می شود. جالب است بدانید این پزشک مسلمان از روده گربه برای نخ بخیه استفاده می کرد که جراحان امروزی نیز همچنان از این ایده بهره می برند (نخ های قابل جذب).

حرف از سفر به گذشته زدیم، به یاد هواپیماهای غول آسای امروزی افتادم که امکان سفر از قاره ای به قاره دیگر را در زمانی کوتاه برای ما فراهم کرده اند. قطعاً هواپیما یکی از اختراعات بسیار مهمی است که در زندگی مدرن امروزی نقش بسزایی دارد.

خب! شاید بگویید این موضوع چه ربطی به تمدن اسلامی دارد؟! آری، اگر تاریخ را دقیق و کامل نخوانده باشیم خواهیم گفت در اینجا باید لئوناردو داوینچی و برادران رایت را تشویق کرد نه مسلمانان را.

اما اگر به قرن نهم بازگردید باز با دانشمند مسلمان پیشگام دیگری به نام عباس بن فرناس آشنا خواهید شد. فردی که به طور جدی برای ساختن ماشین پرنده و پرواز کردن تلاش می کرد. در واقع او هزار سال قبل از برادران رایت در فکر پرواز کردن بود! در قرن نهم توانست وسیله ای بال دار را طراحی کند و در مشهورترین آزمایش خود حتی توانست برای اولین بار چند

به راحتی با جراحی مداوا می شوند، فرجامی جز مرگ نداشتند.

بیایید ببینیم نقش مسلمانان در پیدایش جراحی و ساخت ابزار آلات آن چه بوده است؟ اگر به گذشته سفر کنیم با ابوالقاسم زهرآوی، پزشک و جراح مسلمان اندلسی آشنا می شویم که می توانیم او را پدر عمل جراحی بدانیم؛ زیرا او راه های جدیدی را برای عمل جراحی ابداع کرد و در کتاب «التصریف»، در مقاله سی ام آن به دستاوردهایش در حوزه جراحی اشاره کرد که بعدها ترجمه های متعددی از آن چاپ شد و برای ۵۰۰ سال مرجع علوم پزشکی اروپا بود. بسیاری از ابزارهای جراحی از اختراعات او بوده است که همچنان در بیمارستان های مدرن امروزی

آن شخص کسی نبود جز پیامبر اسلام؛ مردی که لایک نبود و با اینکه موحد بود مشوق مردم به علم آموزی بود.

محمد (ص) تمدنی را بنا نهاد که تأثیری عمیق بر جهان مدرن امروزی داشت.

اما شاید پرسید تمدنی که محمد آن را بنا نهاد چه تأثیری بر جهان امروز ما داشت؟

در پاسخ به این سؤال به صورت مختصر به چند اختراع مهم آن زمان اشاره می کنم. اختراعات و دستاوردهایی که با دنیای مدرن ما ارتباط مستقیم دارند.

بسیاری از مردم، یکی از نمادهای جهان مدرن را بیمارستان های پیشرفته و اتاق های جراحی می دانند؛ زیرا در گذشته به دلیل محدودیت های ابزار پزشکی، بسیاری از بیمارانی که امروزه



سید احمد الحسن علیّه :

آمریکا به طور کامل مسخ شده ای شیطانی است؛ همان طور که صدام و بن لادن (که خداوند لعنتشان کند) و پیروانشان مسخ شده هایی شیطانی هستند. (کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث تمدن مادی، تمدن اخلاقی و جهاد)

بود که اساس دوربین‌های امروزی را بنا گذاشت و منجر به اختراع دوربین عکاسی شد؛ زیرا وی راهی را پیدا کرد تا از طریق یک سوراخ در اتاقک تاریک، تصویر یک شیء، روی دیوار مقابلش تشکیل شود و بعدها آن را دوربین روزنه‌ای نامیدند.

بنابراین داشتن دوربین‌های عکاسی و سینماها و... را که بر همین اساس کار می‌کنند مدیون این دانشمند مسلمان هستیم. اما شاید پرسید نقش مسلمانان قرون طلایی در شکل‌گیری انقلاب صنعتی چه بوده است؟! پاسخی که تاریخ به شما می‌دهد آن است که بسیاری از پایه‌های اتوماتیک مدرن، اولین بار در دنیای اسلام استفاده شده است؛ از جمله سیستم انقلابی میله‌های متحرک (سامانه میل لنگ). میل لنگ با تبدیل حرکت چرخشی به حرکت

اگر به کتب برجای مانده از قرون طلایی اسلام بازگردیم مشخص خواهد شد که بسیاری از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در زمینه اپتیک، از مسلمانان تأثیر گرفته است. تقریباً هزار سال پیش، ابن‌هشام ثابت کرد که چشم انسان، اشیا را به واسطه نوری که از آن‌ها بازتاب شده و وارد چشم ما می‌شود، می‌بیند و بدین ترتیب نظریات اقلیدس و بطلیموس را باطل کرد که معتقد بودند نور از خود چشم خارج می‌شود. این فیزیک‌دان بزرگ مسلمان همچنین پدیده اتاق تاریک (مربوط به عکاسی) را کشف کرد که توضیح می‌دهد چگونه چشم به موجب ارتباط بین عصب بینایی و مغز، تصاویر را به صورت قائم می‌بیند. به گمانم پاسخ این پرسش هم مشخص شد؛ یعنی دستاوردهای علمی این دانشمند بزرگ مسلمان

لحظه به سمت بالا پرواز کند؛ اما بعد از لحظاتی سقوط کرد. وی در تحلیلی علمی، سقوط خود را به عدم تعبیه دقیق «دُم» برای ابزار پروازش بازمی‌گرداند که نشان‌دهنده توجه وی به محاسبات پرواز است. طرح‌های او بی‌شک صدها سال بعد الهام‌بخش هنرمند و مخترع ایتالیایی لئوناردو داوینچی شد.

و این باور نکردنی است که مادر تعطیلات و سفرهای خود سوار بر هواپیما بشویم، اما یادی از قرون طلایی و عباس بن فرناس نکنیم! معمولاً در سفرهایی که انجام می‌دهیم با دوربین‌های عکاسی از خود در طبیعت و مکان‌های باستانی و... عکس می‌گیریم. دوربین‌های عکاسی امروزه در زندگی ما نقش بسزایی دارند. برای ثبت وقایع خاص از زندگی، حفظ امنیت، ثبت تخلفات راهنمایی و رانندگی، گزارش اخبار، مدیریت از راه دور، پژوهش‌های علمی، احراز هویت و... به این وسیله جادویی نیازمندیم. از این رو شما دوربین‌ها را همه جا می‌بینید.

و حال از شما می‌پرسم که آیا مسلمانان نقشی در مسیر ساخته شدن دوربین‌های عکاسی نداشتند؟



سید احمد الحسن (علیه السلام):

خدای سبحان و متعال هیچ‌یک از آن‌ها (آمریکا، صدام، بن لادن و نظایرشان) را منصوب نکرده است. (کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث تمدن مادی، تمدن اخلاقی و جهاد)

خطی، می‌تواند اجسام سنگین را تقریباً به سهولت بلند کند. این تکنولوژی که توسط الجزری در قرن دوازدهم کشف شد در سراسر جهان انتشار یافت و منجر به ایجاد وسایل گوناگون از جمله دوچرخه و موتور احتراق داخلی شد.

و حال از شما می‌پرسم: چگونه انقلاب صنعتی بدون این اختراع می‌توانست به پیش برود؟ اگر بخواهیم به یکایک دستاوردهای مهم مسلمانان در قرون طلایی و نقش آنان در شکل‌گیری دنیای مدرن امروزی بپردازیم از حوصله بحث خارج است.

اما بگذارید در آخر به یکی دیگر از آن دستاوردها که در این دوران سخت همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ نقش بسزایی در پیشگیری و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا دارد اشاره کنیم و آن مایع نام‌آشنای

الکل است. همان طور که همه شما می‌دانید الکل برای اولین بار توسط محمد بن زکریای رازی، دانشمند مسلمان ایرانی کشف شد.

پس اگر اکنون که این مقاله را مطالعه می‌کنید، کنارتان اسپری الکل است بدانید که این مایع ضد عفونی‌کننده، میراث به‌جای مانده از قرون طلایی فراموش شده است.

آیا باز هم جایی برای انکار نقش تمدن اسلامی (قرون طلایی) بر جهان مدرن امروزی وجود دارد؟! شاید بیراه نباشد که بگوییم تقریباً هر آنچه در جهان مدرن کنونی وجود دارد مدیون اسلام است. اسلامی که شعله‌های دانش را در زمانی که تاریکی بر اروپا سیطره داشت، فروزان نگاه داشت.

به شما حق می‌دهم که کمی تعجب کرده باشید؛ زیرا فکر نمی‌کردید که این وسایل

نام‌برده‌شده، ریشه و شروعی در قرون طلایی داشته باشند. وسایلی که تمام حیطه‌های زندگی ما را پوشش می‌دهند.

اما چه بخواهیم، چه نخواهیم این‌ها حقایقی هستند که ثبت شده‌اند و قابل انکار نیستند.

بنابراین اسلام حقیقی، خطرناک و مانع پیشرفت بشری نیست؛ بلکه آنچه دچار بحران شده است تحریفات، بدعت‌ها و تفاسیر ظنی علمای ادیان است که برای نمونه می‌توانیم به جریان ضد اسلامی وهابیت سلفی اشاره کنیم که هیچ ارتباط و پیوندی با اسلام محمدی ندارد.

پس بیایید از دیدگاهی متفاوت و البته دقیق‌تر به اسلام و پیامبر آن بنگریم.

اسلام حقیقی چیست؟ شخصیت پیامبر اسلام را از طریق کدام اقوال تاریخی بشناسیم؟ پیروان حقیقی حضرت محمد ﷺ در زمان ما چه کسانی هستند؟ این‌ها سؤالاتی است که هر انسان حق‌جویی باید به‌طور دقیق، قبل از اظهار نظر در خصوص اسلام، به آن‌ها پاسخ دهد.

منابع:



سید احمد الحسن علیّه السلام :

آن‌ها (آمریکا، صدام، بن‌لادن و نظایرشان) از قانون الهی هیچ نمی‌شناسند و آن‌گونه که برخی ادعا می‌کنند تا مردم را بفریبند در حالی که چیزی از دین نمی‌دانند خواهان استوار کردنش نیستند. (کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث تمدن مادی، تمدن اخلاقی و جهاد)

معرفی امام احمد الحسن علیه السلام

اتفاقات اخیر فرانسه بهانه‌ای شد برای انتشار دیدگاه‌هایی از احمد الحسن علیه السلام درباره اسلام محمدی حقیقی و برائت این دین الهی، از دین وهابی سلفی. احمد الحسن علیه السلام شخصیتی الهی و محل پیوند رسالات آسمانی است که در ادامه به بخشی از بشارت‌هایی که درباره او در کلام انبیا و اوصیا آمده است، خواهیم پرداخت؛ اما پیش از آن مقدمه‌ای را تقدیم شما می‌کنیم؛ مقدمه‌ای که بیشتر از هر چیزی مخاطبش خدانا باوران است.

برای خدانا باوران

شود.

پس گریزی از چنین خالق‌ی ازلی نیست؛ خالق‌ی که آثار بی‌شماری از وی در جهان اطراف و درون خود می‌بینیم نظیر قوانین حاکم بر کیهان، ثوابت بنیادین، پیدایش حیرت‌انگیز حیات زمینی، هدفمندی فرگشت، رؤیاها و مکاشفات صادق و اسم این خالق را «خدا» می‌گذاریم و این چنین خدای واحد ازلی قادر حکیم مطلق ثابت می‌شود. جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به کتاب توهم بی‌خدایی نوشته احمد الحسن مراجعه کنید. شایان ذکر است احمد الحسن در کتاب فوق به طور مفصل، مستند و مستدل به شبهات خدانا باورانی نظیر ریچارد داوکینز و استیون هاوکینگ پاسخ علمی داده‌اند.

ایشان در فصل اول کتاب به شبهات علمای ادیان درباره نظریه فرگشت پاسخ می‌دهند؛ در فصل دوم واقعیت و نظریه فرگشت را بررسی می‌کنند و در فصل سوم موافقت نظریه فرگشت با متون دینی و در فصل

جهان آغازی دارد و ازلی نیست؛ زیرا متغیر است؛ و از آنجا که هر پدیده‌ای، پدیدآورنده‌ای دارد، این جهان نیز خالق دارد.

اما این خالق کیست یا چیست؟

یا عدم است! یا خود جهان! یا وجودی دیگر.

خالق این جهان عدم نیست؛ زیرا عدم مولد نیست.

و جهان، آفریننده خود نیز نیست؛ زیرا پذیرش این فرض سبب تناقض می‌شود.

پس وجودی دیگر باید باشد تا هستی ما معنا پیدا کند.

اما آن وجود چه ویژگی‌های دارد؟

از آنجا که تسلسل علل متناهی تا بی‌نهایت، محال است، باید وجودی قائم به ذات و بی‌نیاز از غیر موجود باشد تا بتواند در جایگاه علت العلل یا علت اصیل قرار بگیرد و چنین خالق‌ی که بی‌نیاز از غیر است و علتی است که معلول نیست، لاجرم باید ازلی باشد تا پرسش از آغاز و علت آن بی‌معنی

سید احمد الحسن علیه السلام :

آنچه انبیا و اوصیا علیهم السلام برایش به پا خاسته‌اند، هدایت مردم به سوی حق و پیروی از حق است؛ بنابراین غرض انبیا، کشتن مردم نیست؛ این مردم از هر صنف که می‌خواهند باشند. (کتاب

«جهاد درب بهشت است»، مبحث هدف از جهاد)

می‌شود. (ر. ک. متی ۲۴: ۲۷)

* احمدالحسن در رؤیای یوحنا: به‌طور خلاصه، او در این رؤیا همان «بره» و «شیری از سبط یهودا» است. (مکاشفه ۴، ۵، ۱۴ و ...) و همان «سوار بر اسب سفید» که او را «صادق» و «امین» می‌خوانند. (مکاشفه ۱۹: ۱۱) و همان «شبه پسر انسان». (مکاشفه ۱۴: ۱۴)

و ذکر این نکته نیز ضروری است که مسیحیان به تنخ یا عهد قدیم که یهودیان به آن معتقدند ایمان دارند؛ لذا آنچه را که از عهد قدیم برای مسیحیان در حقانیت احمدالحسن می‌توان ذکر کرد در قسمت یهودیان می‌نویسیم.



چهارم دلالت فرگشت بر وجود خداوند را اثبات می‌کنند. در فصل پنجم به خاستگاه تمدن بشری و ایشار حقیقی می‌پردازند و در فصل ششم مولدنبودن عدم و نیازمندی جهان به یک پدیدآورنده ازل را به اثبات می‌رسانند.

احمدالحسن در ادیان ابراهیمی

در کتب آسمانی تورات و انجیل و قرآن، و نزد پیروان ادیان ابراهیمی قانونی وجود دارد که از آن طریق می‌توان به حقانیت یک مدعی پی برد و آن متشکل از سه رکن است:

۱. نص یا وصیت؛

۲. علم و حکمت؛

۳. حاکمیت خدا.

احمدالحسن علیه السلام با این قانون نزد پیروان ادیان ابراهیمی آمده است؛ یعنی برای او در کتب مقدس ادیان اشاراتی وجود دارد و با علم و حکمت آمده است و به حاکمیت خدا دعوت می‌کند.

در این باره ما تنها به صورت گذرا به نصوصی که به او اشاره دارد، خواهیم پرداخت و برای اطلاع بیشتر می‌توانید به سایت رسمی دعوت به نشانی Almahdyoon.co مراجعه نمایید و دلایل را با تفصیل بیشتر بخوانید.

احمدالحسن نزد مسیحیان

در کلام عیسی مسیح: همان «تسلی‌دهنده» ای است که فرستاده عیسی مسیح، منتشرکننده علوم و سرزنش کننده جهان است. (ر. ک. یوحنا ۱۶: ۷ تا ۱۴) او همان «غلام امین و دانا» است که سرورش او را مأمور کرده تا علم و معرفت و حکمت را منتشر نماید. (ر. ک. متی ۲۴: ۴۵ تا ۴۷) و او «پسر انسان» است که از مشرق به نسبت عیسی در آن زمان خارج

سید احمدالحسن علیه السلام:

رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله کسری و قیصر را به حق و دین خداوند سبحان دعوت نمود و از همان ابتدا به رویشان شمشیر نکشید؛ بلکه این رومیان بودند که به روی فرستاده خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله شمشیر کشیدند. (کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث هدف از جهاد)

احمدالحسن نزد یهودیان

* احمدالحسن در کلام اشعیا: به‌طور خلاصه او همان «شاخه» ای است که از نهال (امام مهدی) خارج می‌شود و از این طریق نَسَبش به «یسی» می‌رسد. (اشعیا ۱: ۱۱) و همان نجات‌دهنده‌ای است که از «بصره» می‌آید. (اشعیا ۶۳: ۱) همان که «اسرائیل» خطاب شده است. (اشعیا ۴۹: ۳) همان «بنده برگزیده». (اشعیا ۴۲: ۱) و همان بالابرنده پرچم. (اشعیا ۵: ۲۶)



* احمدالحسن در کلام داوود: همان «سنگی» که در خانه پروردگار و در گوشه قرار گرفته است (مزامیر ۱۱۸: ۱۹ تا ۲۶) یعنی حجرالاسود که در کعبه و در گوشه قرار دارد و معروف به رکن عراقی است و به آمدن نجات‌دهنده و رهایی بخش از عراق اشاره دارد. * احمدالحسن در کتاب دانیال: «سنگی» که پادشاه بابل (عراق) آن را دید و در عراق و در آخرالزمان می‌آید. (دانیال ۲: ۳۱ تا ۴۵)

احمدالحسن نزد شیعیان

احمدالحسن از نوادگان امام مهدی علیه السلام و وصی ایشان است. (غیبت طوسی، ص ۳۰۰) همچنین ایشان همان یمانی موعود است که طبق کلام امام باقر علیه السلام اطاعت از او واجب بوده و هرکس از او سرپیچی کند اهل آتش است. (غیبت نعمانی، ص ۲۶۴)

دعوت او به حق و صراط مستقیم است؛ لذا شخصیتی معصوم و از حجج الهی است. (غیبت نعمانی، ص ۲۶۴) و از آنجاکه حجج الهی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر در دوازده امام و دوازده مهدی هستند (غیبت طوسی، ص ۳۰۰) پس او همان مهدی اول هستند که سه نام دارد: احمد، عبدالله و مهدی. و بیعت با امام مهدی علیه السلام از طریق ایشان انجام می‌شود. (غیبت طوسی، ص ۴۵۴، ح ۴۶۳) او همان قائمی است که از طرف امام مهدی علیه السلام عهده‌دار امور ایشان است. (بشارة الاسلام، ص ۱۴۸) و سرپرست کارها و متصدی دعوت ایشان است. (غیبت طوسی، ص ۱۶۲)

از طرفی این احمد، اولین ۳۱۳ نفر است که محل ولادتش بصره است. (غیبت نعمانی، ص ۲۱۵؛ بشارة الاسلام، ص ۱۴۸ و ۱۸۱)

اوصاف ایشان در کلام امام باقر علیه السلام: «... دارای قرمزی صورت، چشم‌های گود، ابروهای برجسته، فراخ و پهنی میان دو شانه، در سرش شوره و در صورتش اثری است؛ رحمت خدا بر موسی باد.» (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۵)

بنابراین بر شیعیان واجب است به‌سمت او بشتابند؛ زیرا او در بعضی احادیث به خلیفه امام مهدی علیه السلام وصف شده است. (بشارة الاسلام، ص ۳۰) و در بعضی دیگر، خلیفه خدا، مهدی، است. (العرف الوردی فی اخبار المهدی، ج ۱، ص ۶۴)

سید احمدالحسن علیه السلام:

امکان ندارد دین و عقیده با شمشیر منتشر شود؛ همان طور که عقیده با شمشیر کشته نمی‌شود.

(کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث هدف از جهاد)

ذکر شده است؛ همان وصیتی که پیامبر ﷺ وجود آن را ضروری دانسته، و هدایت مردم را وابسته به تمسک به آن است. (صحیح مسلم فی آخر کتاب الوصیة، ج ۵، ص ۷۵، ط محمد علی صبیح؛ ج ۲، ص ۱۶، ط عیسی الحلبی؛ ج ۱۱، ص ۹۵، ط مصر بشرح النووي؛ و مسند أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۵۶، حدیث ۲۹۹۲ بسند صحیح ط دارالمعارف بمصر؛ صحیح البخاری، باب قول المریض قوموا عني، ج ۷، ص ۹، و باب آراهیة الخلاف، ج ۸، ص ۱ و صحیح البخاری، کتاب العلم، باب آتابة العلم، ج ۱، ص ۳)



این وصیت نام او را ذکر کرده و قطعاً بر او دلالت دارد. (غیبت طوسی، ص ۳۰۰)
برای اطلاع بیشتر، به کتاب «تصور اهل سنت از مهدی منتظر» نوشته د. دیراوی مراجعه کنید.

اوصاف بی شماری در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ برای ایشان ذکر شده که به همین مقدار بسنده می کنیم.

احمد الحسن نزد اهل سنت

شخصیت مهدی در احادیث اهل سنت همواره در ابهام بوده؛ ولی امروزه با ظهور سید احمد بن اسماعیل (احمد الحسن) این مسئله روشن تر از هر زمانی شده است.

نام ایشان احمد فرزند اسماعیل است؛ همان گونه که پیامبر وعده داد نام مهدی شبیه نام من و نام پدرش، شبیه نام پدرم است. (سنن ابی داوود، حدیث ۴۲۸۲؛ مسند احمد، حدیث ۷۷۵. منهاج السنة، ابن تیمیه، ج ۴، ص ۹۵)

ایشان از اهل بیت پیامبر ﷺ (مسند احمد، حدیث ۶۴۶؛ سنن ابن ماجه، حدیث ۴۰۸۵؛ مستدرک حاکم، حدیث ۷۸۱۳) و از سادات حسینی است؛ همان گونه که در احادیث گوناگون ذکر شده (الفتن لابن حماد، ص ۲۳۰؛ البرهان للمقتی الهندی، ص ۹۳، حدیث ۱۴؛ المنار المنیف لابن القیم، ص ۱۴۸)
همچنین ایشان از خلفای خداست؛ کما اینکه بشارت داده شده مهدی خلیفه خداست. (مسند احمد، حدیث ۲۱۸۸۲؛ مستدرک حاکم، حدیث ۸۵۷۸)

پس اطاعت از او واجب و شتافتن به سمتش، ضروری است. (سنن ابن ماجه، حدیث ۴۰۸۴؛ مستدرک حاکم، حدیث ۸۴۸۰)

خلافت الهی او همان گونه ثابت شده که خلافت الهی آدم ﷺ ثابت شد. (بقره، ۳۰) و همان گونه که پیامبر ﷺ در وصیت انبیای پیشین ذکر شده است. (صف، ۶)

نام و اوصاف ایشان در وصیت شب وفات پیامبر ﷺ

سید احمد الحسن علیه السلام :

راه و روش همه ادیان الهی از جمله آخرینشان اسلام در دعوت به سوی خدا، استفاده از گفت و گو و پند و اندرز است. (کتاب «جهاد درب بهشت است»، مبحث هدف از جهاد)

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.